



شکل‌گیری دولت اسلامی در روزگار رسول الله ﷺ

دکتر اصغر منتظر القانم

استادیار دانشگاه اصفهان - گروه تاریخ

چکیده

از دیدگاه قرآن مجید رسول گرامی اسلام ﷺ همچون برخی از پیامبران دیگر علاوه بر مقام هدایت و تعلیم دارای شأن حکومت و قضاوت بود. وی در راستای این شأن پس از هجرت به مدینه منوره برای تکمیل وحدت اجتماعی پیمان نامه عمومی را برقرار کرد و دولت خود را شکل داد. اقتدار سیاسی و نظامی رسول الله ﷺ پس از بازگشت از سفر تبوک و با ورود هفتاد هیأت نماینده‌گی به مدینه منوره در میان قبایل عرب شمالی و جنوبی جزیره العرب گسترش یافت. حکومت رسول الله ﷺ بر سرزمین وسیعی در شمال از ابله تا تبوک و دومیة الجندل و در جنوب از یمن تا عمان و بحرین محدود بود و حاکمیت بی رقیب پیدا کرد و تمرکزگرایی را در بین قبایل در شکل امت واحد پایه نمود. ساختار حکومتی رسول الله ﷺ دارای توره مفتته و فضائیه مبتنی بر وحی الهی و آیات قرآن و دیدگاه‌های شخصی وی بود و کارگزاران توره مجریه وی شامل والیان، مأموران جمع‌آوری صدقات، خمس و جزیه، سفراء معلم‌های قرآن و احکام، کاتبان وحی، فرماندهان نظامی، نیروهای کسب اخبار و اطلاعات، قضات و خانشینان بر مدینه بودند. بدین سان اصلاح اساسی در ساختار اجتماعی و سیاسی قبایل عرب به وجود آورد.

این مقاله بر آن است تا به بررسی شکل‌گیری و جایگاه دولت در عصر رسول گرامی ﷺ اسلام بپردازد. و نظام تشکیلاتی آن را بررسی نماید. روش تحقیق در آن توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای از منابع درجه اول تاریخ اسلام است و اطلاعات به دست آمده با ابزار مشاهده و استدلال تحلیل می‌گردد.

سازمان اجتماعی و سیاسی عرب‌های بدوی به شکل قبیله‌ای که پیوسته درگیر جنگ و نزاع با یکدیگر بودند، بود. شیخ در مقام رهبر اجتماعی و نظامی از بین سال‌خورده‌ترین مردان نیرومند که نسب خالص‌تری در قبیله داشت انتخاب می‌شد و فرمان کوچ، جنگ، غارت، صلح و حل اختلافات را می‌داد.

اوضاع عربستان جنوبی به گونه‌ای دیگر بود و از کتیبه‌های کشف‌شده در شهرهای باستانی یمن برمی‌آید که در این منطقه نظام‌های سیاسی بزرگی وجود داشت. این دولت‌ها عبارتند از «معین» که آغاز آن در حدود ۱۲۰۰ ق.م و پایان آن قرن ششم قبل از میلاد و پایتخت آن شهر «قرناو» بود^۱. دولت قُتبان که آغاز آن در حدود قرن ۵ ق.م و سرانجام آن حدود قرن اول میلادی و پایتخت آن شهر «تَمَنَع» بود^۲. پادشاهی سبأ آغاز آن در حدود سال ۶۵۰ ق.م و پایتخت آن شهر مَارب^۳ و سپس شهر «صنعا» بود^۴. این پادشاهی از قرن پنجم میلادی به واسطه اختلافات داخلی و نزاع بر سر تخت سبأ و نفوذ قبایل بدوی چنان ضعیف گردید^۵ که در حدود ۵۲۵ میلادی حبشی‌ها به تحریک رومی‌ها به یمن حمله کردند^۶ و پس از آن در حدود ۵۷۵ میلادی ایرانی‌ها به یمن حمله کردند^۷. بدین سان یک

۱- جواد علی، المفصل فی التاريخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۹ م الجزء الثانی،

2- Encyclopaedia, Britannica, V2, P76, Arabia

3- The new Encyclopaedia, Britannica, V10, P278, Saba

۲- جواد علی، پیشین، الجزء الثانی، ص ۴۹۵

۵- کتیبه شماره ۲۲۸ فیلیبی به نقل از جواد علی، پیشین، ص ۵۸۹

۶- پروکوپیوس، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش، ص

۷- المسعودی، مروج الذهب، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، الجزء الثانی،

قرن پیش از ظهور اسلام یمن در زیر سلطه بیگانگان دوران سختی را گذراند و نظام‌های پادشاهی خود را از دست داد و یمن آوردگاه نزاع و خونریزی بین قبایل گردید و قبیله‌گرایی بر تمامی مناطق یمن چهره باز نمود. مناطق داخلی و شمالی شبه جزیره نیز میدان تاخت و تاز قبایل بود و دولت غشان زیر سلطه امپراطوری روم شرقی و دولت حیره تابع امپراطوری ساسانی مانع تهاجمات قبایل به متصرفات روم و ایران بودند.

ساختار سیاسی مکه: یکصد و بیست سال پیش از ظهور اسلام قصی بن کلاب دست خزاعه را از مکه کوتاه کرد و دارالندوه تنها مرکز تشکیلاتی و سازمان اداری مکه را تأسیس کرد. وی هنگام مرگ مناصب شهر را میان فرزندان خود تقسیم کرد و پرده داری کعبه، سرپرستی دارالندوه و پرچمداری را به عبدالدار و آبرسیانی و پذیرایی از حاجیان و راهنمایی و رهبری آنان را به عبدمناف واگذار کرد^۱. پس از رحلت عبدمناف هاشم رفادت و سقایت را بر عهده گرفت و برادرش عبد شمس رهبری حاجیان را عهده دار شد. پس از مرگ وی فرماندهی در جنگ‌ها و رهبری سپاه (قیادت) در اختیار مکه قرار گرفت و در خاندان او موروثی شد. به گونه‌ای که ابوسفیان در جنگ احد و خندق فرماندهی قریش را به عهده داشت.^۲ بدین سان قریش مجتمعی از خاندان‌های اشرافی بودند که هر طایفه‌ای منصبی را عهده دار بود ولی رهبری امور دینی و مقدس را بنی هاشم و رهبری سیاسی و نظامی و اقتصادی را بنی امیه پذیرفتند، آن گونه که ابوسفیان ریاست بر کاروان پنجاه هزار دیناری قریش را به دست آورد.^۳ اگرچه به نظر می‌رسد در مکه یک سازمان تشکیلاتی و اداری منظمی وجود داشت ولی چون ساختار آن قبیله‌ای بود از انسجام و استحکام داخلی برخوردار نبود آن گونه که در چالش و برخورد با دولت رسول الله ﷺ توان مقاومت در فتح مکه را نداشت. پس از این که بر ما روشن شد از یک قرن پیش از ظهور اسلام در حجاز و یمن نظام حکومتی وجود نداشت، به بررسی مبانی حکومتی رسول الله ﷺ از دیدگاه قرآن و متون تاریخ اسلام می‌پردازیم و اصلاحات وی را در بعد سیاسی-اجتماعی جامعه عرب

۱- ابوالولید ازرقی، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ترجمه محمود مهدوی، تهران، چاپ و نشر بنیاد.

۲- همان، ص ۹۴

۱۳۶۸ ش، ص ۸۹

۳- واقعی، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هـ الجزء الاول

بررسی می‌کنیم. در مبانی عقیدتی اسلام، نبوت حقیقی است که وظیفه اصلی آن هدایت و تربیت است. ولی یکی از شئون آن نیز حکومت است.

قرآن اشاره دارد که پیامبران داور در اختلافات نوع بشر می‌باشند و آنان بانی وحدت و اتحاد جوامع براساس قوانین دین و شریعت آسمانی هستند.^۱ تا انسان‌ها را از تعدی به حقوق افراد بازدارند. اگر این داوری تنها از جنبه تربیتی و توحید اخلاقی برخوردار باشد. چون انسان‌ها به دنبال منفعت خود هستند، این داوری چندان تأثیری نخواهد داشت و احکام قضایی شریعت تعطیل خواهد شد. در این صورت اجرای حکم داور که پیامبران الهی هستند، در سایه اقتدار و حکومت امکان‌پذیر خواهد بود تا آنان بتوانند قسط و عدل را در جامعه تحقق دهند.^۲ این وظیفه پیامبران از راه پند و اندرز امکان‌پذیر نیست و آنان با استفاده از اهرم‌های قدرت می‌توانند عدالت را تحقق بخشند. قرآن مجید درباره برخی پیامبران حکومت را از شئون نبوت آنان دانسته است از آن جمله درباره خاندان ابراهیم می‌فرماید: «فقد اتینا آل ابراهیم الكتاب والحکمة و اتیناهم ملکاً عظیماً»^۳ همانگونه که از آیه برمی‌آید، کلمه اتیناهم برای کتاب و حکمت و هم برای حکومت و فرمانروایی به کار رفته است. در اینجا تکرار اتیناهم بدین جهت است که تعلیم کتاب و حکمت حقیقت نبوت است، ولی فرمانروایی یکی از شئون آن است و در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود، که شرایط اجتماعی تحقق آن فراهم باشد. قرآن همچنین درباره حضرت داوود و سلیمان نیز تصریح دارد که آنان دارای ملک و فرمانروایی بودند و می‌فرماید: «یا داوود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لاتتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله»^۴ همانگونه که از آیه برمی‌آید خداوند داوود را مأمور حکم‌فرمایی به حق و پیروی نکردن از هوای نفس می‌کند. در آیه دیگری نیز درباره داوود می‌فرماید: «و شددنا ملکة و اتیناه الحکمة و فصل الخطاب»^۵ فرمانروایی‌اش را استوار ساختیم و به او حکمت و فصل الخطاب عطا کردیم. قرآن همچنین از فرمانروایی سلیمان و شوکت و عظمت حکومت وی در سوره نحل سخن به میان آورده است.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۳ و سوره نساء، آیه ۱۰۵

۲- سوره حدید، آیه ۲۵

۳- سوره نساء، آیه ۵۴

۴- سوره صاء، آیه ۲۶

۵- همان، آیه ۲۰

در قرآن مجید آیات بسیاری حکایت از مقام و منصب حکومت برای رسول گرامی اسلام ﷺ دارد که از جمله می فرماید: «و ان احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع أهواءهم»^۱ به آنچه خداوند به تو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواهش آنان مباش، همچنین درباره داوری رسول الله ﷺ آمده است: «انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراک الله»^۲ ما کتاب را به حق بر تو فرستادیم، تا بین مردم براساس آنچه خداوند به تو آموخته است حکم کنی. در آیه دیگری می فرماید: «النبی اولی بالمؤمنین من أنفسهم»^۳ پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنان سزاوارتر است.

همچنین خداوند به مؤمنان دستور می دهد از خدا و رسول و جانشینان او اطاعت کنید و چون در کاری اختلاف پیدا کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول او بازگردانید.^۴ بدین سان روشن می گردد رسول اکرم ﷺ علاوه بر تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه انسانها، منصب حکومت و قدرت سیاسی از شئون نبوت وی بوده است. بر این اساس رسول الله ﷺ در سال سوم بعثت تعلیم کتاب و حکمت و دعوت حسنه بر کلمه طیبه لا اله الا الله را با سیاست همراه گردانید و در حادثه یوم الانذار علی علیه السلام را به جانشینی خود معرفی کرد.^۵ در جایی نیز مسأله جانشینی خود را به فرمان خداوند معرفی کرد و گفت: «الامر الی الله یضعه حیث یشاء»^۶ رسول الله ﷺ در ایام سه ساله محاصره اقتصادی با وجود مشکلات طاقت فرسای اقتصادی و نظامی و محیط رعب و وحشت، مسلمانان را در دره ابوظالب اداره کرد و تجربه عملی حکومتی پیدا کرد. رسول گرامی اسلام ﷺ با هجرت خود از مکه به مدینه، سیاست داخلی خود را از مرحله تبلیغ کتاب و حکمت و دعوت به کلمه طیبه لا اله الا الله و موعظه حسنه به مرحله استقرار حکومت و تحکیم پایه های آن برد. در این صورت هجرت شکوفایی و تحکیم و تثبیت بعثت در قالب تشکیل حکومت بوده و به

۱- سوره مائده، آیه ۴۹

۲- سوره احزاب، آیه ۶

۳- سوره نساء، آیه ۵۹

۴- سوره نساء، آیه ۵۹

۵- رک طبری. تاریخ الرسل و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، الجزء الثانی، ص ۶۳

۶- همان، ص ۸۴. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، مصر، مطبقة مصطفی البابی

الحلبی، ۱۳۷۵ هـ القسم الاول، ص ۴۲۴، ابن الاثیر الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، المجلد الثانی،

دو شیوه الف: تشریح احکام ب: تأسیس حکومت، شکل گرفت. وی در نخستین ماه‌های ورود به مدینه برای سر و سامان دادن اوضاع اجتماعی و تحکیم وحدت اجتماعی و زدودن آثار اختلاف میان اوس و خزرج و تشکیل امت واحد و از بین بردن خطر بالقوه یهود، یک پیمان عمومی^۱ بین مردم مدینه و مهاجران و یهودیان به امضاء رساند که نتیجه آن پیروزی و موفقیت چشمگیری برای او داشت و حکومتی استوار بر پایه دستورات شریعت، برادری، همکاری و تعاون به ریاست خود به وجود آورد و خطر بالقوه یهود را که پذیرای حاکمیت اسلام نبودند، از بین برد و آنان را ناگزیر به حمایت از خود کرد و اوس و خزرج را مجبور کرد تا دشمنی‌های گذشته خود را کنار گذارند، گستردگی مفاد این پیمان‌نامه حکایت از بیش عمیق و نبوغ فکری مبثی بر وحی رسول الله ﷺ دارد. در این پیمان‌نامه حدود اجتماعی و حقوق افراد و گروه‌ها و طبقات اقلیت‌ها در سیاست داخلی حکومت نوپای رسول الله ﷺ مورد توجه قرار گرفت و یهودیان اجازه یافتند در مراسم دینی خود آزاد باشند^۲. رسول گرامی اسلام ﷺ با این پیمان‌نامه موفق به تشکیل امت واحده بر خلاف نظام قبیله‌ای که بر اساس خون و نژاد و نسب استوار بود، گردید. در این پیمان عقیده و معنویت دینی همراه با وحدت ملی مورد توجه قرار گرفت و همه گروه‌ها و طبقات ساکن شهر ناگزیر به حمایت از مدینه متوره^۳ کانون قدرت معنوی و سیاسی اسلام شدند. بدین سان رسول الله علاوه بر تعلیم کتاب و حکمت رژیم سیاسی تشکیل داد. و بر مسند حکمرانی آن قرار گرفت و بر ویرانه‌های نظام آریستوکراسی^۴ قبیله‌ای که خانواده‌های حاکمه طبق مقتضیات آن در امور سیاسی و اجتماعی تصرف می‌کردند، حکومتی صددرصد الهی و رژیمی کاملاً تئوکراسی که خود به عنوان خلیفه خدا در زمین در رأس آن قرار داشت، بنیان گذاشت^۵.

حضرت رسول اکرم ﷺ با پیروزی و موفقیتی که به عنوان یک پیامبر الهی به دست آورد، بر رهبری یک حکومت سیاسی قرار گرفت ولی دشمنان وی از اشرافیت مشترک

۱- ابن هشام، پیشین، القسم الاول، ص ۵۰۱ ۲- همان، ص ۵۰۱

۳- همان، ص ۵۰۱

۴- فرمانروایی اشرافی، رک فرهنگ فارسی معین زیر آریستوکراسی

۵- توماس آرنولد، چگونگی گسترش اسلام، ترجمه حبیب‌الله آشوری، تهران، انتشارات سلمان، ص ۹۸

قبیله‌ای و یهودیان مشکلاتی را برای وی فراهم نمودند که ناگزیر شد همچون یک سردار جنگی در میادین بیست و هفت غزوه مدیریت شایسته نظامی خود را نشان دهد. استراتژی نظامی رسول الله ﷺ تا جنگ احزاب به شکل دفاعی بود و در پنج سال دوم دوران هجرت به شیوه هجومی تبدیل گردید، به گونه‌ای که هرگاه دشمنان آشکار و پنهان وی در هر نقطه‌ای علیه او توطئه سیاسی و اقدام نظامی می‌کردند ناگزیر به برخورد با آنان در سرزمین خودشان می‌شد، در سال ششم هجری رسول گرامی اسلام پیمان صلحی به نام صلح حدیبیه را با قریش امضا کرد که براساس مفاد آن متارکه جنگ تا ده سال و آزادی هم‌پیمانی با قبایل را به دست آورد ولی ناگزیر به حذف کلمه رسول‌الله از همراهی نام محمد ﷺ و بازگشت بدون انجام عمره به مدینه منوره شد. وی واقعیت موجود اقتدار قریش را پذیرفت ولی با انعطاف و نرمش سیاسی قهرمانانه و مدبرانه خود، پیمان صلح حدیبیه را به مقدمه و مدخلی برگسترش اسلام بین قبایل تا مرزهای امپراطوری روم شرقی در موته و فتح شهر مکه، تبدیل کرد.

پیروزی و موفقیت رسول‌الله ﷺ از این صلح آن‌چنان بود که بسیاری از قبایل اسلام آوردند^۱ و یهودیان توطئه‌گر و متمرد خیبر را سرکوب کرد و براساس دستور قرآن^۲ آیین خود را جهانی کرد و نامه‌هایی برای دعوت برخی از سران و پادشاهان کشورهای بزرگ و کوچک آن روز فرستاد^۳. در سال هشتم هجری با نقض صلح حدیبیه از سوی قریش رسول‌الله به مکه لشکر کشید و بدون خونریزی این شهر را فتح کرد^۴.

با فروپاشی مکه، در سال نهم هجری به مرزهای امپراطوری روم شرقی لشکر کشید و با عقد قرارداد جزیه با اهل کتاب اطراف تبوک اقتدار خود را تا مرزهای شمال جزیره‌العرب گسترده کرد.

با فروپاشی اقتدار سیاسی-نظامی قریش و با بازگشت پیروزمندانه از سفر تبوک دیگر قبایل عرب جنوبی و شمالی که از اقتدار برابری با قریش برخوردار نبودند، فهمیدند مقاومت در برابر رسول‌الله ﷺ بیهوده است، هیأت‌های نمایندگی خود را به مدینه منوره

۱- ابن هشام، پیشین، القسم الثانی، ص ۳۲۲ ۲- قرآن مجید، سوره توبه آیه ۳۳، و آل عمران، آیه ۸۵

۳- ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالفکر، بی‌تا، المجلد الاول، ص ۲۵۸

۴- ابن هشام، پیشین، القسم الثانی، ص ۲۰۸

فرستادند و در برابر وی سر به اطاعت فرود آوردند، بدین سان دولت رسول الله ﷺ که تنها محدود به مدینه بود از سال هفتم هجری گسترش یافت و سرانجام بیشترین مناطق جزیره العرب تحت اقتدار سیاسی و نظامی رسول الله ﷺ درآمد. فرمان وی به عنوان رئیس دولت اسلامی در مناطق تحت تصرف آن اجرا می‌گردید. مهاجران و انصار به وسیله وی سازمان یافته به تبلیغ اسلام و اداره سرزمین‌های تابعه می‌پرداختند. قواعد اسلام شیوه عمل قبایل قرار گرفت و سرانجام در سال نهم هجری هیأت‌های نمایندگی بسیاری به مدینه منوره آمدند، به گونه‌ای که آن سال را عام الوفود نامیدند. در این حال دولت رسول الله ﷺ دارای اقتداری گسترده و بی‌رقیب در بیشترین مناطق جزیره العرب از یمن تا ایله در شمال دریای سرخ بود. در این جا شایسته است ویژگیهای دولت در روزگار رسول الله ﷺ را بررسی و مشخص کنیم ولی در گام نخست باید مفاهیم و تعابیر دولت و حکومت و حاکمیت را روشن نماییم تا چگونگی انطباق این تعابیر بر دولت رسول الله ﷺ بر ما معلوم گردد. دانشمندان علوم سیاسی دولت را چنین تعریف کرده‌اند: «دولت نهادهای تصمیم‌گیرنده دارای اقتدار برای کل جامعه هستند که همه گروهها، نهادها و اشخاص از نظر قانونی پیرو آن می‌باشند. به عبارت دیگر دولت قانوناً دارای حاکمیت و در نهایت اقتدار آن اجباری است... دولت دولست تنظیم‌کننده نهایی به کارگیری مشروع زور در قلمرو خود می‌باشد.»^۱ «دولت مجموعه‌ای از نهادهاست که تصمیم‌های جمعی برای جامعه تدوین و اجراء می‌کند»^۱.

چهار عامل اساسی زیربنای دولت را تشکیل می‌دهند که عبارتند از جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت^۲. حکومت هسته دولت می‌باشد^۳ و کارگزار دولت است^۴. حکومت مربوط به تصمیم‌هایی است که ذاتاً جمعی است و کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد امروزه حکومت به وزراء که در رأس وزارتخانه‌های اصلی هستند، گفته می‌شود^۵. برای

1- Rod Hague, Martin Harrop and shaun Breslin, comparative Government and Politics: An Introduction, London, Macmilan Press LTO, 1992,, P6.

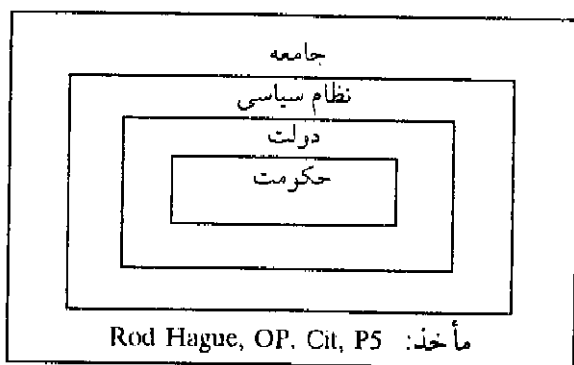
۲- عمید زنجانی، فقه سیاسی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ ش، جلد اول. ص ۷۰

3- Rod Hague, O.P.Cit, P5.

۴- عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۹

5- Rod Hague, O.P. Cit, P5.

روشن شدن بهتر این مفاهیم به جدول زیر توجه کنید.



الف - حکومت: ۱ - دولت رسول الله ﷺ دارای تشکیلات مشخصی بود که در رأس هرم آن رسول مکرم اسلام ﷺ قرار داشت و قوانین آن مبتنی بر قرآن و سنت بود و کارگزاران آن عبارت بودند از: حکام، معلم های قرآن و احکام، مأموران مالی و صدقات، امیرالحاج، نمایندگان و سفراء، کاتبان وحی و نامه ها و پیمانها، مؤذن^۱، فرماندهان سربه ها و مأموران اطلاعاتی و جانشینان بر مدینه منوره. این مناصب نشان از سازمان یافتگی و برنامه ریزی دولت رسول الله ﷺ برای موجودیت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی بود که به وسیله وی انجام می گرفت.

۲ - پیاده نمودن دستورات اقتصادی اسلام در قالب خمس و صدقات و جمع آوری درآمد سرزمینهای مفتوح به صلح و مصرف آنها در راه نیازهای دولت رسول الله ﷺ و توزیع بین تهیدستان مدینه، مکه^۲ و حتی برخی فقرای جنوب جزیره العرب^۳. بدین منظور مأمورانی را به مناطق مختلف و بین قبایل گسیل می کرد تا خمس و زکات را جمع آوری کنند. از جمله آنان مالک بن نویره یربوعی عامل جمع آوری صدقات قبیله بنی حنظله، زبرقان بن بدر و قیس بن عاصم بر بنی سعد تمیم، عدی بن حاتم طایی بر قبیله طی و اسد،

۱ - خلیفه بن خیاط، تاریخ، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ، ص ۶۳

۲ - یعقوبی، تاریخ، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش، جلد

۳ - ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۳۴۴

اول، ص ۲۱۶

زیاد بن لیث انصاری بر منطقه حضرموت^۱، معاذ بن جبل و مالک بن مراره رهاوی بر سرزمین حمیر^۲، خالد بن سعید بن عاص بر قبیله مراد^۳، عمرو بن حزم انصاری بر قبیله بنی الحارث بن کعب^۴، علاء بن حضرمی بر منطقه بحرین^۵، عمرو بن عاص بر عمان^۶، حذیفه باریقی را بر شهر دباین عمان و بحرین^۷، عبدالرحمن بن عوف بر قبیله کلب، عطار بن حاجب تمیمی بر قبیله دارم، ضحاک بن سفیان کلایی بر قبیله کلاب^۸، عباد بن بشر اشهلی بر قبیله سلیم و مُزینه، بسر بن سفیان بن کعب^۹، نُعیم بن مسعود اشجعی بر قبیله اشجع، بُریده بن حُصیب آسلی بر اسلم، غفار، جهینه و ابو عبیده بن جراح فهری را بر صدقات قبیله مُزینه و هذیل و کنانه گمارد.^{۱۰}

۳- واگذاری برخی مناطق جزیره العرب به رهبران و شیوخ قبایل، همچون رهبران زبید، مراد، بنی الحارث، آزد، طی^{۱۱}، خثعم^{۱۲}، همدان^{۱۳}، ربیع بن ذی مرحب حضرمی^{۱۴}، وائل بن حجر حضرمی^{۱۵} و منطقه حردان را به ابوسبره جعفی^{۱۶} واگذار کرد، رسول الله ﷺ در مقام ریاست عالیه دولت اسلامی پیمانهایی برای این رهبران صادر می کرد و عنوانهای سیاسی، قبیله ای و مالکیت آنان را به رسمیت می شناخت و از آنان گذاردن نماز و زکات و پرداخت صدقات و دفع ظلم و اجرای عدالت را خواستار می شدند.^{۱۷}

۴- تعیین و ارسال حکام بر بسیاری از مناطق جزیره العرب و اداره آن سرزمینها به وسیله

- ۱- ابن هشام، پیشین، القسم الثاني، ص ۶۰۰
- ۲- ابن سعد پیشین، المجلد الاول، ص ۲۶۲
- ۳- همان، ص ۳۲۷
- ۴- ابن هشام، پیشین، القسم الثاني، ص ۵۹۴
- ۵- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۲۶۳
- ۶- همان، ص ۲۶۲
- ۷- همان، المجلد السابع، ص ۱۰۱
- ۸- خلیفه بن خیاط، پیشین، ص ۶۲
- ۹- واقدی، المغازی، الجزء الثالث، ص ۱۰۳۱
- ۱۰- یحیی بن جابر بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق محمد حمید الله، قاهره، دارالمعارف، الجزء الاول، ص ۵۳۱
- ۱۱- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۲۶۹
- ۱۲- ابن هشام، پیشین، القسم الثاني، ص ۵۸۸
- ۱۳- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۳۴۱، احمد بن عبدالله رازی، تاریخ مدینه منعمه، تحقیق حسین بن عبدالله العمری، صفا، چاپ محقق، ۱۴۰۱ هـ، ص ۴۹۵
- ۱۴- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۲۶۶
- ۱۵- همان، ص ۳۴۹، ۲۸۷
- ۱۶- همان، ص ۳۲۶
- ۱۷- همان، ص ۲۸۷

کارگزاران رسول الله ﷺ از آن جمله عمرو بن حزم بر بنی الحارث بن کعب، عثمان بن ابی العاص ثقفی بر طائف، زیاد بن لیبید انصاری بر حضرموت، عتاب بن اسید بر مکه، خالد بن سعید بن عاص بر صنعا، مهاجرین بنی امیه مخزومی بر کنده، معاذ بن جبل بر شهر جند، ابو موسی اشعری بر رمع، زبید و ساحل^۱ سرد بن عبدالله از دی بر ازد سراه^۲، حذیفه باری بر قلعه دبا^۳، مالک بن عوف نصری بر مسلمانان قبایل ثقیف، هوازن، نصر و جشم^۴ قیس بن سلمه را بر مردان و حریم و کلاب^۵ و علی^۶ را بر منطقه مذحج^۶ با اختیارات کامل قضایی، مالی و نظامی، قزوین^۷ بر قبیله مُراد^۷ و ابوسفیان بن حرب را بر شهر جُرش^۸ گماردند.

۵- جانشینی بر مدینه منوره، رسول خدا ﷺ هنگامی که برای جنگها از شهر مدینه بیرون می‌رفت یکی از مسلمانان را جانشین خود بر نماز و اداره شهر می‌گماردند، از جمله آنان عبدالله بن ام‌مکتوم، ابولبابه عبدالمنذر اوسی، ابورهیم غفاری، نُمیل بن عبدالله اللیثی، عبدالله بن رواحه، عثمان بن عفان، غالب بن عبدالله المیشی، محمد بن مسلمه انصاری، سباع بن عُرْفَطَه^۹ و علی^{۱۰} می‌باشند.

۶- اعزام علی^{۱۱} به یمن، رسول گرامی اسلام در سال دهم هجری علی^{۱۱} را دوبار به یمن فرستاد. وی در این دو سفر در منطقه نجران و قبیله مذحج^{۱۱} و همدان^{۱۲} دارای اختیارات کامل تبلیغی، قضایی، نظامی و مالی در جمع آوری جزیه، غنایم خمس و زکات و

- ۱- بلاذری. فتوح البلدان. تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ، ص ۷۱
- ۲- بلاذری، انساب الاشراف. الجزء الاول، ص ۳۵۲۹- ابن سعد، پیشین، المجلد السابع، ص ۱۰۱
- ۳- ابن هشام، پیشین، القسم الثاني، ص ۴۹۱- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۳۲۵
- ۴- واقفی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۱۰۸۵، ابن عساکر شافعی، ترجمه الامام علی بن ابیطالب من تاریخ دمشق. تحقیق محمدباقر المحمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ هـ الجزء الاول، ص ۴۰۱
- ۵- ابن هشام، پیشین، القسم الثاني، ص ۵۲۸- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۷۰
- ۶- واقفی، المغازی، ذیل عنوان غزوات، خلیفه بن خیاط، پیشین، ص ۶۰
- ۷- محمد بن حبیب، المحبر، تصحیح ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، منشورات دارالافتاح الجدیدة، بی‌تا، ص ۱۲۵، المسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۵ ش. ص ۲۵۰
- ۸- واقفی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۱۰۸۵
- ۹- طبری، تاریخ الجزء الثاني، ص ۳۸۹

تصرف در آنها و ریاست و امامت بر دیگر فرماندهان رسول الله ﷺ را داشت. می توان گفت علی علیه السلام در منطقه‌ای بین شهرهای نجران، صعده و صنعا حکومتی مستقل تشکیل داد.

۷- اعزام مبلغ اسلام و معلم قرآن و احکام به مناطق مختلف جزیره العرب همچون مصعب بن عمیر به یثرب^۱، شش نفر به طایفه عضل و قاده که در رجیع به شهادت رسیدند، چهل نفر به سرزمین نجد که در بئر معونه سی و هشت نفر آنان کشته شدند^۲، معاذ بن جبل به مکه^۳ و سپس سرزمین حِمْیَر^۴، عمرو بن حزم انصاری نزد بنی الحارث بن کعب^۵، علی علیه السلام نزد همدان^۶ و ابوزید انصاری خزرجی را نزد آزد عمان^۷ فرستاد. اعزام این گروه‌ها و افراد نیاز به برنامه‌ریزی تبلیغی و فراهم آوردن شرایط لازم در آن مناطق بود و همین برنامه‌ریزی گویای عمل و اقتدار سیاسی است.

۸- روابط سیاسی و نظامی رسول الله ﷺ با قبایل عرب شمالی و جنوبی، یهودیان و نیروهای متحد با امپراطوری روم شرقی در مرزهای شام که در قالب غزوات و سریه‌ها و پیمانهای صلح بروز و ظهور پیدا می‌کرد، نشان از دولت و حکومت رسول گرامی اسلام ﷺ دارد.

۹- تعیین مسأله وصایت و جانشینی: رسول گرامی اسلام ﷺ در سال سوم بعثت در راستای تحقق شأن حکومتی خود که به دستور قرآن به وی داده شده بود، در مهمانی خصوصی خویشان و اقوام خود دین و سیاست را با یکدیگر همراه و هم‌آوا کرد و جانشین خود را معرفی نمود و درباره علی گفت: «ان هذا اخي و وصيي و خليفتي فيكم فاسمعوا له و اطيعوا»^۸. وی سرانجام در سال دهم هجری در اجتماعي باشکوه با حضور نمایندگان بسیاری از قبایل و شهرها در غدیر خم جانشین خود را معرفی کرد و در آن اجتماع فرمود: «من كنت

۱- ابن هشام، پیشین، القسم الاول، ص ۴۳۵

۲- یعقوبی، پیشین، جلد اول، ص ۴۳۵، ۴۳۲

۳- رافعی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۵۹۴

۴- طبری، پیشین، الجزء الثاني، ص ۵۳۲ و ۳۸۶

۵- همان، ص ۳۸۹

۶- خلیفدین خیاط، پیشین، ص ۶۱

۷- ضری پیشین، الجزء الثاني، ص ۶۳، ابن الاثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ هـ، المجلد الثاني، ص ۴۱

مولاہ فعلی مولاہ، اللہم وال من والاہ و عاد من عاداہ^۱»

ب- حاکمیت: حاکمیت عبارت است از «تمایل دولت برای بکارگیری زور برای رسیدن به اهداف خود و توانایی آن برای قانع کردن شهروندان بر حقانیت ماهیت قدرت خود می‌باشد. حاکمیت به میزان اقتدار دولت در جامعه بازمی‌گردد و دارای دو بعد داخلی و خارجی است^۲». در بعد داخلی نباید اقتداری رقیب یا هم‌تراز وجود داشته باشد و از نظر خارجی نیز کشور باید مستقل باشد و تحت نفوذ و سلطه دولت دیگری نباشد^۳. با توجه به مفهوم حاکمیت بر ما روشن می‌گردد حاکمیت بی‌چون و چرای رسول‌الله ﷺ در بعد داخلی و خارجی وجود داشته است که ویژگی‌های آن عبارت است از:

۱- به رسیت شناختن اقتدار بی‌رقیب رسول‌الله ﷺ از سوی اهل کتاب داخل دولت اسلامی در جنوب و شمال جزیره‌العرب و بستن پیمان صلح و قبول پرداخت مالیات سرانه جزیه در سال نهم و دهم هجری، از جمله آنها مسیحیان ایله، تبوک، جرباء، اذرح، دومة الجندل و یهودیان مَقْنَا در شمال و مسیحیان نجران در یمن، زرتشتیان بحرین و عمان، برخی از مقادیر جزیه که تنها شامل مردان کارآمد می‌گردید عبارت بود از: مسیحیان نجران هر سال دو هزار دست جامه به ارزش هر کدام چهل درهم، هزار دست در ماه صفر و هزار دست در ماه رجب^۴ اهالی ایله هر مرد یک دینار، اهالی مَقْنَا یک چهارم محصول خود را و مردم اذرح یکصد دینار هر سال^۵ پردازند. از اقلام جزیه روشن می‌گردد به خوبی رعایت حال پرداخت‌کنندگان می‌شده است و آنان می‌توانستند با آزادی بر دیانت خود باشند و مقدار مالیات سرانه خود را به نقد یا به جنس و در چند نوبت پردازند.

۲- اعزام گروه‌های نظامی با اقتدار تمام برای تخریب بتکده‌ها پس از فتح مکه به مناطق گوناگون جزیره‌العرب از آن جمله: علیؑ برای تخریب بت مناة^۶ و بتکده فِلس^۷، خالد بن

۱- حاکم حسکانی نیشابوری حنفی، شواهد التنزیل، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الجزء الاول، ص ۱۵۸

2- Rod Hague, O.P.Cit, P7.

۳- عبدالرحمن عالم، پیشین، ص ۱۴۴

۴- ابن‌سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۳۵۸

۵- واقدی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۱۰۳۱، بلاذری، فتوح البلدان، ص ۷۱

۶- دشام بن محمد الکلبی، الاصنام، ترجمه محمدرضا جلالی، تهران، نشر نو، بی‌تا، ص ۱۱۱

ولید به بتکده عزى^۸، عمرو بن عاص به بتکده سواع و بت قبیله هذیل^۹، جریر بن عبدالله بجلی بتکده ذوالخصه^{۱۰} و طفیل بن عمرو دوسی برای سوزاندن ذوالکفین بت قبیله عمرو بن حممه^{۱۱} فرستاده شدند. تخریب این بتکده‌ها نشانه پایان بت پرستی و نوید گسترش اسلام و اقتدار داخلی دولت اسلامی رسول الله ﷺ و استفاده از اموال این بتکده‌ها بود.

۳- مکاتبات تبلیغی و سیاسی رسول الله ﷺ با سران کشورهای بزرگ و کوچک همچون باخسرو پرویز، هراکلیوس، نجاشی پادشاه حبشه، مقوقس حاکم اسکندریه، هودة بن علی حنفی حاکم یمامه و حارث بن ابی شمر حاکم غسان، نشان از اقتدار شکوهمند و حاکمیت بی رقیب دولت رسول الله ﷺ در بعد خارجی دارد. اگرچه خسرو پرویز نامه رسول الله ﷺ را پاره کرد و حاکمیت خارجی وی را نپذیرفت ولی نجاشی اسلام را قبول کرد و دستور رسول خدا ﷺ مبنی بر ارسال مسلمانان مهاجر به حبشه را به مدینه منوره پذیرفت و مقوقس هدایایی برای رسول الله ﷺ فرستاد^{۱۲}. و هراکلیوس پاسخ وی را داد^{۱۳}. بدین سان سه کشور بزرگ همجوار، حاکمیت رسول خدا ﷺ را پذیرفتند و با وی مکاتبه کردند و اقتدار او را به رسمیت شناختند.

۴- ورود هیأت‌های نمایندگی قبایل عرب شمالی شامل بیست و هفت هیأت و قبایل عرب جنوبی شامل چهل و چهار هیأت^{۱۴} به مدینه منوره، برخی از این هیأت‌ها در مدینه اسلام می‌آوردند و اطاعت بی‌چون و چرای خود را از رسول الله ﷺ اعلام می‌کردند و گروهی نیز پذیرش اسلام خود را به آگاهی رسول خدا ﷺ می‌رساندند و خمس و زکات خود را پرداخت می‌کردند. رسول الله ﷺ به برخی از این هیأت‌ها هدایایی می‌دادند و عهدنامه‌هایی برای آنان می‌نگاشتند و مناطقی را به آنان واگذار می‌کردند و حدود سرزمین و تکالیف رهبران قبایل را مشخص می‌کردند. در این صورت حضور گسترده هیأت‌های نمایندگی قبایل در مدینه نشان از حاکمیت داخلی بی‌رقیب رسول الله ﷺ در جزیره العرب

۷- واقدی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۹۸۴ ۸- همان، ص ۸۷۳

۹- همان، الجزء الثاني، ص ۶۶۵ ۱۰- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۳۴۷

۱۱- ابن هشام، پیشین، القسم الاول، ص ۳۸۲، واقدی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۹۲۳

۱۲- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۲۶۰ ۱۳- یعقوبی، پیشین، جلد اول، ص ۷۸

۱۴- ابن سعد، پیشین، المجلد الاول، ص ۳۵۹-۲۹۱

می باشد.

۵- قضاوت و داوری: رسول گرامی اسلام ﷺ تحول عمیق و ریشه‌داری را در آیین قضایی اعراب که در دست اشرافیت قبیله‌ای بود، به وجود آورد. وی مبانی و اصول قضایی اسلام را که با آیات قرآن که در این باره نازل شده بود، شکل داد. او به واسطه شأن داوری که خداوند در قرآن به وی واگذار کرده بود به حل اختلافات میان مسلمانان و دیگران می پرداخت و میان طرفین دعوا آشتی برقرار می کرد و هرگاه مجرمی بر آشتی و پذیرفتن حکم وی ابرام نمی کرد، وی را تنبیه می کرد. مقام داوری رسول الله ﷺ در پیمان نامه عمومی سال اول هجری بر آن تأکید شده بود^۱ و موجب اقتدار بیشتر وی گردیده بود، رسول الله ﷺ نیز در برخی مناطق دوردست اختیارات قضایی به کارگزاران خود از جمله امیر مؤمنان علی رضی الله عنه^۲ و معاذ بن جبل^۳ واگذار کرد و احکام قضایی علی رضی الله عنه را مورد تأیید قرار می داد.^۴

ج - سرزمین: تشکیل دولت بدون سرزمین امکان ندارد. «سرزمین هر دولت شامل خاک، آب و فضاست و قلمرو خاکی دولت‌ها را با مرزهای طبیعی یا قراردادی مشخص می کنند.»^۵ این مفهوم بر دولت رسول الله ﷺ تطبیق دارد و حدود متصرفات وی در سال نهم و دهم هجری عبارت بود از: مرزهای آن در شمال ایله در شمال دریای سرخ تا تبوک و دومة الجندل و در جنوب از تنگه باب‌المنذب و حضرموت تا عمان و دبا و بحرین کشیده شده بود و مناطق مرکزی نجد قبایل طی، بنی اسد و تمیم نیز مسلمان شده بودند و تابع مدینه منوره بودند.

د - جمعیت: دولت را به عنوان نهادی بشری بدون جمعیت نمی توان تصور کرد و جمعیت باید به مقداری باشد که بتواند سازمان و امنیت دولت را حفظ کند و منابع سرزمینی

۱- اس هشام، پیشین، القسم الاول، ص ۵۰۱ - ۲- واقدی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۱۰۷۹

۳- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۸۰

۴- واقدی، پیشین، الجزء الثالث، ص ۱۰۸۶ هنگامی که برخی از یاران رسول الله ﷺ درباره رفتار علی رضی الله عنه شکایت کردند، فرمود: «درباره علی رضی الله عنه شکایت نکنید زیرا علی رضی الله عنه از من است و من از او هستم و او زنی شایسته پس از من خواهد بود.» رک ابن عساکر شافعی، ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ دمشق، الجزء الاول، ص ۲۰۱

۵- عبدالرحمن، عالم، پیشین، ص ۱۴۳

و اقتصادی دولت نیز توانایی تأمین زندگی آنها را داشته باشد^۱. یکی از اصلاحات اساسی و شگرف رسول الله ﷺ در بعد سیاسی و اجتماعی تحول نظام قبیله‌ای مبتنی بر عصییت، به ایجاد دولت و حکومت بود. وی مردم قبایل بی‌شمار نجد و شمال و جنوب جزیره‌العرب و ساکنان شهرهای مکه، طائف، مدینه، صنعا، جَند، نجران و جرش و شهرهای عمان و بحرین را به اسلام دعوت کرد و آنان تابعیت خود را از دولت رسول الله ﷺ اعلام کردند، تا جایی که وی موفق شد، امت واحده خود را آن‌گونه که در قرآن^۲ به آن تصریح شده است، تشکیل دهد. اگرچه جمعیت مردان مسلمان براساس سرشماری نخستین سال هجرت یک هزار و پانصد نفر^۳ بودند ولی در سال دهم هجری جمعیت دولت رسول الله ﷺ بالغ بر صدها هزار نفر می‌شد. این جمعیت به خوبی توانایی سازمان و حفظ امنیت دولت رسول الله ﷺ را داشتند.

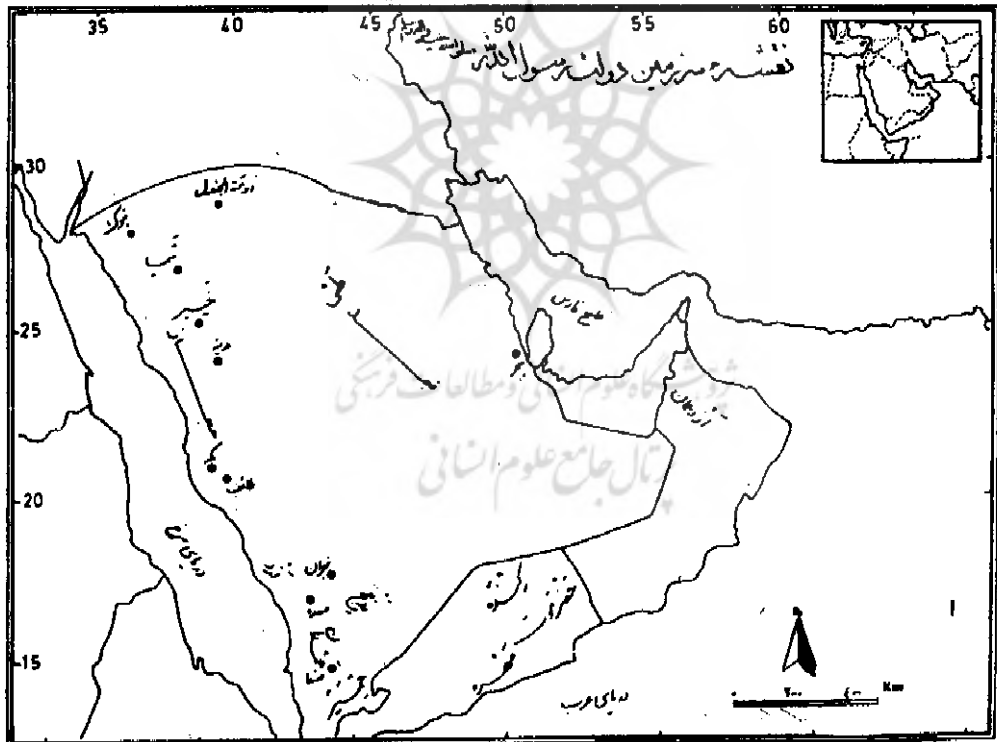
نتیجه: بدین سان رسول گرامی اسلام ﷺ از سال سوم بعثت، دین و مسأله سیاسی جانشینی را به یکدیگر پیوند داد ولی با هجرت به مدینه منوره دولت خود را که تا سال ششم هجری تنها محدود به مدینه بود، تشکیل داد. در نخستین سالهای هجرت، حکمرانی وی همچون کارگزاری بود که در سطح جامعه مسؤول سازمان‌دهی مسلمانان و اجرای قواعد و احکام اسلام ﷺ و تأمین اطاعت بود. با صلح حدیبیه، اسلام پیشرفت چشمگیری داشت ولی با سقوط مکه جایگاه اشرافیت قریش و بازگشت پیروزمندانه از تبوک هیأت‌های نمایندگی قبایل به مدینه آمدند و به تابعیت دولت رسول الله در آمدند. در سال نهم و دهم هجری حاکمیت داخلی وی اقتداری بی‌رقیب پیدا کرد و در بعد خارجی، کشوری مستقل و غیرقابل نفوذ شکل داد. این کشور دارای مرزهای جغرافیایی مشخص بود و جمعیت گسترده‌ای تابعیت آن را داشتند. دولت رسول الله ﷺ دارای کارگزاران مختلف و نظام تشکیلاتی منظم شامل حکام و مأموران تبلیغی، قضایی و مالی، سفراء، فرماندهان نظامی، کُتاب و کارگزاران محلی بودند. رسول گرامی اسلام حکمرانانی از مردم محلی و یاران خود برای اداره مناطق گوناگون جزیره‌العرب تعیین کردند و مأموران مالی برای گرفتن خمس،

۲- سوره بقره، آیه ۱۴۳

۱- همان، ص ۱۳۹

۳- محمد حمیدالله، نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد ﷺ، ترجمه سید محمد حسینی، تهران،

صدقات و جزیه بر مناطق گوناگون گماردند. در این صورت دولت رسول الله ﷺ دارای ویژگیهای جمعیت، سرزمین، حاکمیت و حکومت گردید و او موفق شد تحول اساسی در ساختار اجتماعی و سیاسی قبایل عرب به وجود آورد و تمرکزگرایی را در میان آنان پیاده کند و دولت خود را به مرکزیت مدینه منوره کانون اقتدار بی رقیب سیاسی و معنوی جزیره العرب، تشکیل دهد.



نقشه: مراد کرمی - مطالب من می‌نویسد

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آرنولد توماس، جگونگی گسترش اسلام، ترجمه حبیب‌الله آشوری، انتشارات سلمان، بی تا.
- ۳- ابن‌الاثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۴- ابن‌حبیب محمد، المحبر، تصحیح ایلزه لیختن شنیتر، بیروت، منشورات دارالافتاح الجدیده، بی تا.
- ۵- ابن‌سعد کتاب، الطبقات الکبری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۶- ابن‌عساکر شافعی، ترجمه الامام علی بن ابیطالب، من تاریخ دمشق، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ هـ.
- ۷- ابن‌هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، مصر، مطبقة مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۷۵ هـ.
- ۸- ازرقی ابوالولید، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ترجمه محمود مهدوی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۸ ش.
- ۹- بلاذری، یحیی بن جابر، انساب‌الاشراف، تحقیق محمد حمیدالله، قاهره دارالمعارف، بی تا.
- ۱۰- بلاذری، فتوح‌البلدان، تحقیق رضوان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ.
- ۱۱- پروکوپیوس، جنگهای ایران و روم، ترجمه سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ هـ.
- ۱۲- جوادعلی، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۹ م.
- ۱۳- حاکم حسکانی نیشابوری حنفی، شواهد التنزیل، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۱۴- حمیدالله محمد، نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمدؐ، ۹، ترجمه سید محمدحسینی، تهران، انتشارات سرور، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۵- خلیفه بن خیاط، تاریخ، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.
- ۱۶- رازی احمد بن عبدالله، تاریخ مدینه صنعاء، تحقیق حسین بن عبدالله العمری، صنعاء، چاپ محقق، ۱۴۰۱ هـ.
- ۱۷- طبری، تاریخ‌الریسل و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۱۸- عالم عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۹- الکلبی هشام بن محمد، الاصنام، ترجمه محمدرضا جلالی، تهران، نشر نو.
- ۲۰- المسعودی، مروج الذهب، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ۲۱- المسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۲- معین محمد، فرهنگ فارسی.
- ۲۳- واقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هـ.
- ۲۴- یعقوبی، تاریخ، ترجمه محمدابراهیم آبتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.

25. Encyclopaedia, Britannica, V2. Arabia.

26. The new Encyclopaedia, Britannica, V10, Saba.

27. Rod Hague, Martin Harrop and shaun Breslin, Comprative Government and Politics: An Introduction, London, Macmillan Press Lto, 1992.